

نقدی بر اولین مصاحبه اعلیحضرت در سال مسیحی

(قسمت اول)

سوم ژانویه ۲۰۱۲

امیر فیض - حقوقدان

خانم مسیح علینژاد^۱ در سوم ژانویه سال جاری مسیحی مصاحبه ای داشتند که بنظرم اولین مصاحبه یک خانم ایرانی با اعلیحضرت است. باتشکراز آقای امیر ابراهیمی که نوار مصاحبه را توسط جاوید ایران ارسال داشته اند، برسم معمول، به اتفاق، در مسیر تحقیق آن مصاحبه قرار میگیریم.

بسیار دشوار و با احتیاط ممکن است از سوالات مصاحبه کننده بطور جامع و کامل مطلع شد تصور میکنم علت، مسائل فنی ضبط باشد نه ابهام و نارسائی مصاحبه کننده ولی خوشبختانه بیانات اعلیحضرت از وضوح و روشنی کافی برخوردار است باتفاق قبول میکنیم که بخشهایی از مصاحبه که تاحدودی تازگی دارد محل بحث و تحلیل قرار گیرد نه کل.

مصاحبه

مصاحبه کنند دوبار از احترام خودشان به اعلیحضرت یاد میکند ولی در عمل چندان به آن رعایت نمی نماید.

مصاحبه کننده بزرگ شده در رژیم جمهوری اسلامی تشیع است که احترام والقباب رافقط حق آخوند شیعه و بقیه مردم راکف میداند. (منتظری) و نمیشود از مصاحبه کننده بیش از این متوقع بود ولی معلوم است که احترام هرکس دست خودش است.

اولین پرسش مصاحبه کننده دقیقاً همان پرسشی است که نشریه صبح امروز در هفته گذشته با اعلیحضرت در میان گذاشت و اینجانب نیز پژوهشی نسبت به آن در همین سایت هزار و چهارصد سال از طریق جاوید ایران مفتخر به تقدیم شدم.

سوال این بود که اگر عنوان پدر شما از شما حذف شود آیا تصور میکنید که اقدامات خودتان شمارادر این موقعیت قرار داده است.

پاسخ اعلیحضرت کوتاه تر و سنجیده تر از پاسخی است که به صبح امروز فرمودند.

مصاحبه کننده سوال تکراری بالا را از این جهت مطرح کرد که میتواند کلیدی برای پرسش اصلی سوال کننده باشد و این سوال که شاید عنوان کلیدی دادن به آن از این جهت که بازکننده فلسفه مبارزه ماسلطنت طلبان است بسیار حائز اهمیت میباشد.

سوال ایشان چنین است:

شما خودتان بعنوان پادشاه ایران سوگند خورده اید و این بدان معناست که حراست از سلطنت را برعهده گرفته اید و میخواهید ایران را به دوران قبل برگردانید.

^۱ - معصومه علی نژاد قمی معروف به مسیح علی نژاد

قبل از اینکه به پاسخ اعلیحضرت رجوع کنیم این اشاره لازم است که بارها و بارها این سوال با اعلیحضرت در میان گذاشته شده و ایشان هم جوابی که تاحدودی یکسان است فرموده اند ولی این تفاوت وجود دارد که در این مصاحبه، مصاحبه کننده بپرسش مکملی، براحتی بپاسخ اعلیحضرت به قناعت نمی‌رود.

اکنون به پاسخ اعلیحضرت رجوع میکنیم تا جا برای ارائه پرسش مکمل مصاحبه کننده فراهم گردد.

مختصروفتشده بیانات اعلیحضرت در چهارچوب زیرقابل شناسایی و ارزیابی است.

«قصد من در آن زمان این بود که بگویم اگر ملت به این نهاد پشت کرده نهاد به ملت پشت نکرده - دراصل هدف و مقصود من روح قانون اساسی و انقلاب مشروطیت مهم بود - در آن پیام (مقصود پیام اعلام قبول سلطنت درنهم آبان ۱۳۵۹ است) گفتم «اختیار تصاحب این میراث را برعهده مردم ایران میگذارم یعنی گزینشی است، یعنی اختیار با مردم است»

مصاحبه کننده که میدان پاسخ به اعلیحضرت را بارها در این گفتگو محدود ساخته در مقابل توضیحات اعلیحضرت میگوید (سوال تکمیلی)

شما قبل از انتخابات خودتان را پادشاه خوانده اید یعنی تضاد در بیان و عمل شما مشهود است به این توضیح که اگر اختیار تصاحب میراث سلطنت برعهده مردم است چگونه قبل از انتخابات و تصمیم مردم اعلام سلطنت کرده اید.

پاسخ اعلیحضرت در این مورد، اگر اشتباه نکنم بی سابقه است میفرمایند:

«یادتان باشد که در آن زمان سه ماه از درگذشت پدرم میگذشت و جو آن روز مسنله تداوم سلطنت بود که خیلی ها عقیده داشتند که من باید تداوم سلطنت را حفظ کنم و انگهی بموجب قانون اساسی تازمانی که شاه سوگند مقابل مجلسین را یاد نکرده نمیتواند پادشاه باشد.»

بیانات اعلیحضرت در محط تشریح^۲

۱- بیان اعلیحضرت به اینکه «در پیام نهم آبان گفتم که اختیار تصاحب این میراث را برعهده مردم ایران میگذارم» به هیچوجه با پیام نهم آبان منطبق نیست و به کلامی باوضوح تمام، در پیام نهم آبان چنین جمله ای وجود ندارد و این عبارت در مصاحبه های اعلیحضرت یک جعل الحاقی است. البته جمله مزبور منتسب به ایشان هست ولی نه در پیام نهم آبان بلکه در پیامهای بعدی از زمان تشکیل جبهه نجات دکتر امینی و از جمله مصاحبه باپاری ماچ (علاقمندان میتوانند به هنگامه ها در سایت www.1400years.org/amyrfeyz.asp رجوع فرمایند)

۲- اشاره اعلیحضرت به سوگند پادشاه در مقابل مجلسین، اشاره تحریف شده است - بر تخت سلطنت نشستن و تاجگذاری کردن، و رای قبول سلطنت است. بمجرد درگذشت شاه، انتقال سلطنت به ولیعهد در سن قانونی فوری و بلا شرط است (مشروح توضیح در این باب در سنکرها ی ۱۶۵ و ۱۹۱ قابل ملاحظه است)

اعلیحضرتا

تصدق پادشاهم کردم؛ عرایض امروز قیلا حدود دو سه سال قبل نه بصورت امروز که با مفهوم یکسان بوسیله دبیرخانه تقدیم گردیده است و اگر امروز تجدید آن لازم گردید احساس کراهت و تکدر خاطر اعلیحضرت در پاسخ به سوال مصاحبه کننده در رابطه با سوگند سلطنت بود که هر شنونده متفکری را ملتهب میساخت.

^۲ - محط. [م ح ط ط] (ع!) منزل. (منتهی الارب). موضع و منزل. (ناظم الاطباء). جای فرود آمدن. محل فرود آمدن: چون از مهبط رحم به محط...

تصدقت کردم - اعلیحضرت در مراسم سوگند نهم آبان که منحصر به اعلام قبول سلطنت بود کار نادرست و یا خلاف قانون و شرع و سنت مرتکب نشده اید که احساس شرم و ناخرسندی از سوال مزبور میفرمائید و به انکار قبول سلطنت و دادن، چهره نادرست به قصد خودتان، در اعلام سلطنت متوسل میگردید و بیا تصویر دیگری از قصد خودتان اعتبار کلام واراده خودتان را منقوض نشان میدهید.

اعلیحضرت در نهم آبان سال ۵۹ در اوج وحشت و خوف که هیچکس را زهره نامبری از شاه و قانون اساسی و رژیم سلطنتی نبود در سن ۲۰ سالگی مردانه و متهورانه ایستادند و به آنچه قانون اساسی و هویت ایرانی حکم کرده بود پاسخ مثبت دادند و حراست از قانون اساسی و سلطنت و استقلال و تمامیت ارضی ایران را با سوگند اعلام سلطنت قوام و هستی بخشیدند.

آنچه عرض شد الهام گرفته از بیانات سال ۱۳۶۲ اعلیحضرت است که در بیانیه ای میفرمایند:

«سه سال پیش که مسئولیت تاریخی خود را بر عهده گرفتیم از داخل کشور جز نعره ستمگران و ناله بیگناهان شنیده نمیشد» (مشرح درسنگر شماره ۱۸۰)

احترام اعلیحضرت به قانون اساسی و تکلیف برآمده از آن، در سن جوانی و آن جو خوفناک سال ۱۳۵۹ بزرگترین افتخار و همت تاریخی است که هیچکس را چنین امتیاز و افتخاری تاکنون نصیب نبوده است.

قبول مسئولیت تصدی سلطنت در آن زمان تنها شیوه انسان های والا و حرمت داران به قانون اساسی است.

قد علم کردن اعلیحضرت در مقابل درنده خونی ملاها و تبلیغات منفی جهانی علیه سلطنت و تداوم آن حاصل شجاعت خارق العاده و اقتدار تصمیم اعلیحضرت است، این کار، کار هر کسی نیست در روزگاری که نخست وزیر کشور فرار میکند ارتش بیطرفی بر میگزیند، یک جوان بیست ساله بی اعتناء به خواست کارتر رئیس جمهور آمریکا در خودداری از اتیان سوگند سلطنت، به حکم قانون اساسی و سنت سلطنت سر تعظیم فرود میآورد، تعقل و انصاف و مروت لازم است تا بتوان آنرا ارزیابی کرد.

اعلیحضرت با قصد وارده کامل و علم به تکلیف قانونی در حفظ تداوم سلطنت حتی قبل از اینکه به ۲۰ سالگی تمام برسند به دنیا اعلام کردند که به مسئولیت و تکلیف قانونی در قبول تصدی سلطنت، متعهد و مصمم هستند. به اتفاق به آن بیان تاریخی اعلیحضرت رجوع میکنیم.

پاری ماچ مجله فرانسوی در زمان ولیعهدی اعلیحضرت در سال ۱۳۵۹ مصاحبه ای با ولیعهد داشته و این سوال را مطرح میکند:

بر اساس گزارشات رسیده روز سی ام اکتبر روزی که شما به سن قانونی میرسید از طریق دفتر خود پیامی برای ملت ایران خواهید فرستاد. اگر قدرتهای بزرگ از طریق پرزیدنت سادات از شما بخواهند که از ارسال پیام خودداری کنید چه؟

پاسخ اعلیحضرت که مورد استناد این تحریر است:

«روز نهم آبان بر اساس تقویم ایرانی من بر اساس قانون اساسی جانشین پدرم خواهم شد این یک اصل قانونی است که هیچکس نمیتواند در آن تغییری بدهد.....»

این عالی ترین، منجزترین، پاک و بی آلاش ترین، قاطع ترین و صادقانه ترین قصد واراده در تصمیم اعلیحضرت است چرا اعلیحضرت این قصد پاک و اهورائی، این نیت شکوهمند هویتی خود را در اتیان سوگند سلطنت معلول و مقدوش. فاسد و علیل معرفی میفرمایند؟

تا آنجا که میدانم تاکنون هیچ موردی دیده نشده است که شخصی قصد وارده خودش را معیوب و گره آمیز مدعی شود، این رویه حبی اعتبار ساختن قصد در اتهامات کیفری معمول است که با اثبات عدم وجود قصد بار اتهامات متهم سبک میگردد.

آیا ایستادگی یک جوان ۲۰ ساله در مقابل قدرت های بزرگ که ایران را به آن سادگی واژگون ساخت و حتی تا امروز میبینیم که هر کشوری که خواست منهدم کرد، ننگ است یا افتخار که اعلیحضرت تلاش دارند که با انکار پشت انکار، آنرا قلب بفرمایند. تصمیم اعلیحضرت یک افتخار قانونی و تاریخی است، رعایت فوری آن یک سنت تاریخی برای حفظ تداوم یک جریان سنتی ۲۵۰۰ ساله است. کجای این تصمیم و انجام آن عیب و گناه و سر شکستگی است که اگر اعلیحضرت از آن پاک شدنی نیست.

بعنوان کسی که تاحدودی به بیانات پادشاهم توجهی اعم و اهم دارم عقیده راسخ دارم که انکارهای اعلیحضرت نسبت به سوگند سلطنت و یا تفسیرها از قصد و نیت و امثال آنها هیچ پایه باوری تاچه رسد به حقوقی به انکارات ایشان نمیدهد.

حقیقتی که اعلیحضرت در بیان آن غفلت فرموده اند

حقیقت امر این است که ولیعهد ایران با قصد و رضایت و اراده مصمم و با اتیان سوگند سلطنت قبول تصدی سلطنت رانمودند ولی ملاحظات سیاسی، قدرتهای بین المللی، تصمیم سیاسی تبهکارانه وزارت خارجه آمریکا (طرح هنری برشت) جو تبلیغاتی جهان، اوضاع ایران، هماهنگی سیاست آمریکا و انگلیس در ایران، و از همه مهمتر عوامل و دستیاران ایرانی بیگانگان موانعی بود که قدرت انجام تعهدات سوگند سلطنت را از شاه جوان سلب کرد و اعلیحضرت ناچار شدند که بعنوان یک فرد ایرانی به دور از هویت خودشان مبارزه برای آزادی ایران و هویت ملی راندنبال کنند.

باعرض تصدیع یک تشبیهی بجاست

عده ای ناظر غرق شدن انسانی در یک سیلاب شدید هستند، جوانی ۲۰ ساله از میان آنها آماده میشود که غریق رانجات دهد دوستانش به او هشدار میدهند که جاننش در خطر است، آن جوان اعتنائی نمیکند و به حکم وجدانش خود را به آب میزند همه تلاش خود را میکنند ولی فشار آب و سیلاب امکان رسیدن جوان را به غریق نمیدهد آن جوان بازمی ایستد. دفاع و حرف درست او میتواند این باشد که من تمام تلاشم را کردم ولی فشار سیل و حرکت سریع آب، مافوق قوه من بود.

آیا دفاع بالا مسموع است و یا اینکه آن جوان بگوید من قسم خوردم که غریق رانجات بدهم ولی قصدم این بود که اگر مردم رای دادند که باید غریق نجات پیدا کند و بمن نمایندگی دادند آنوقت من فقط طرح میدهم نه اجرا.

در همه قوانین دنیا و مذاهب و عرف مورد قبول عامه، اگر شخصی نتواند تعهدات خود را به مناسبت موانعی که دفع آن خارج از حیطه اقتدار اوست انجام دهد فارغ از مسئولیت است. آیا استناد به این اصل و نمودار ساختن موانع قدرتی جهان، جای قبول را باز میکند و یا انکار قصد که دلیل ضعف شخصیت و بی اعتباری هر قول و فعل او در آینده خواهد شد.

به امید تقدیم بقیه این تحریر

